

مستلزم
ن و ا م

التیام زخم‌های فرزندپروری ناکارآمد

لی والاس

مریم تقی پور

کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی

با مقدمه
دکتر محمدرضا سرگلزایی

.....	78
.....	58
.....	189
.....	72
.....	82
.....	201
.....	83
.....	111
.....	9
.....	13
.....	17
.....	19
.....	23
.....	35
.....	55
.....	57
.....	63
.....	66
.....	68
.....	71
.....	74
.....	79

فهرست



□ التیام زخم‌های فرزندپروری ناکارآمد □

- ۸۳ مرحله همزیگری طبیعی (وابستگی طبیعی).
- ۸۵ نوزاد ارتباط چشمی برقرار می‌کند.
- ۹۰ نوزاد سرش را بالا نگه‌می‌دارد.
- ۹۳ ارتباط چشمی و لبخند.
- ۹۸ شیرخوار سرش را بالا می‌گیرد و به اطراف می‌چرخاند.
- ۱۰۳ تعویض پوشک نوزاد به پدر سپرده می‌شود.
- ۱۰۹ جدایی و فردیت‌یافتگی.
- ۱۱۱ ناپدیدشدن مادر.
- ۱۱۴ قبل از جدایی.
- ۱۱۸ جدایی.
- ۱۲۲ یادگیری سینه‌خیزرفتن.
- ۱۲۵ سینه‌خیزرفتن و بازی کردن.
- ۱۳۰ از پستان گرفتن.
- ۱۳۴ کشف مادر.
- ۱۳۹ تمرین ایستادن.
- ۱۴۳ راست ایستادن.
- ۱۴۶ نخستین قدم.
- ۱۴۹ راه‌رفتن.
- ۱۵۵ نوپایی.
- ۱۵۶ تو و من.
- ۱۶۲ کودک خودش غذا می‌خورد.
- ۱۶۷ خواهر و برادر جدید.
- ۱۷۱ آموزش توالت‌رفتن.



مقدمه

سال‌هاست محققان به این نتیجه رسیده‌اند که دو نیمکره مغز عملکردهای متفاوتی دارد.

آنچه را، به‌طور معمول، عملکرد منطقی می‌نامیم (تجزیه و تحلیل اطلاعات، منطقی ریاضی و زبان) نیمکره چپ مغز سازمان‌دهی می‌کند، درحالی‌که ادراک هنری (زیبایی‌شناسی، خلاقیت، درک شعر و موسیقی) را نیمکره راست مغز برعهده دارد.

نیمکره راست با کارکردهایی سروکار دارد که در ما ایجاد احساسات می‌کند و قدرت هنر از همین‌جا ناشی می‌شود. سازماندهی بسیاری از تصمیمات و رفتارهای ما از روی تفکر منطقی نیست، بلکه احساساتمان این کار را می‌کند. تقریباً همه افراد سیگاری از آسیب‌های سیگار آگاهند؛ اما کشیدن آن را «دوست دارند». بسیاری از رفتارهای پرخطر و روابط آسیب‌رسان هم صرفاً بر پایه احساسات ادامه پیدا می‌کنند.

وقتی به انسان‌ها اطلاعات کلامی می‌دهیم با نیمکره چپ مغزشان ارتباط برقرار می‌کنیم و گاهی نمی‌توانیم با استدلال منطقی بر موضوعاتی که بستر احساسی دارند اثر بگذاریم. این‌جاست که مربی یا درمان‌گری که قرار است مدیریت موضوعات احساسی را به عهده گیرد، چاره‌ای ندارد مگر این‌که



سر آغاز: نقطه‌ای دیگر (جایی دیگر)

چشم‌اندازی آشنا یا ناآشنا در اطرافتان وجود دارد. این منظره تقریباً سه‌بعدی و تک‌رنگ به نظر می‌رسد و هیچ سایه‌روشنی ندارد. آن‌جا هیچ شیئی دیده نمی‌شود. این چشم‌انداز، فضایی عالی برای غوطه‌وری است. در این فضا احساس می‌کنید بسیار آرام، رؤیایی، راحت و بی‌وزنید. در این فضا روزنه‌ای دیده می‌شود. دو شیخ، که به شکلی محو دیده می‌شوند، از این روزنه مراقبت می‌کنند. تصور می‌کنید آن‌ها بخش هشیار و ناهشیار وجودتان هستند. بخش هشیارتان لباسی رنگارنگ بر تن دارد و بخش ناهشیار هر زمان به شکلی درمی‌آید و مدام عوض می‌شود؛ به تدریج به شکلی واحد تبدیل می‌شود و دوباره به شکل سوم یا چهارم بازمی‌گردد. از این‌رو می‌فهمید که ناهشیارتان بخش‌هایی مرتبط به هم و متغیر دارد و شما با شیفتگی و شیدایی به تماشای آن مشغولید. به سمت روزنه حرکت می‌کنید و می‌بینید که با پرده‌ای مات یا نیمه‌مات پوشانده شده. نزدیک‌تر می‌روید و درمی‌یابید که این پرده واقعاً مات است و شفاف نیست و نمی‌توانید به جایی دیگر وارد شوید. شما با ذهن هشیارتان گفتگو می‌کنید و می‌پرسید: «آیا می‌توانم وارد آن‌جا شوم؟» و ذهن هشیارتان، بدون این‌که پرسشتان را بشنود، دور می‌شود. از ذهن ناهشیارتان می‌پرسید: «آیا می‌توانم وارد آن‌جا شوم؟» پاسخ می‌دهد: «نه، هنوز نه.» سپس می‌گوید: «ممکن است آن سوی روزنه را ببینم؟» آن‌گاه بدون هیچ پاسخی



□ التیام زخم‌های فرزندپروری ناکارآمد □

پرده کنار می‌رود. شما درون آن را که به رنگ آبی و بنفش بسیار زیباست می‌بینید. سپس آن فضا تغییر رنگ می‌دهد و به رنگ‌های زیبای دیگری تبدیل می‌شود؛ رنگ‌هایی که از خودتان ساطع می‌شوند. با تعجب و حیرت تماشا می‌کنید و نظاره‌گر تغییر و بلوغ آهسته رنگ‌ها هستید. صدایی می‌شنوید، صدایی که ضرب‌آهنگ دارد، شبیه صدای طبلی که صدایش پوشانده شده؛ بوم، بوم، بوم، بوم. با این صدا می‌توانید احساس راحتی کنید و خودتان را در عمق این فضای زیبا بیابید. ذهن هشیار و ناهشیار شما هر دو در گوشه‌ای ایستاده‌اند، درحالی که شما در جایی دیگری.



۱. boom, boom, boom, boom: در متن اصلی، ریتم صدا به این شکل نشان داده شده و در اصل استعاره‌ای از صدای قلب مادر است. م.